



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۸

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2645-6478

تأملی در محتوای شعر دفاع مقدس

(مورد مطالعه: دفترهای ریشه در ابر، از نخلستان تا خیابان، هم‌صدا با حلق اسماعیل و تولد در میدان)

دکتر یوسف کرمی چمه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱

چکیده

«محتوا یا مفهوم» یکی از دو بال آثار ادبی است که اهمیت آن کمتر از «فرم یا قالب» نیست و بررسی آن، یکی از راه‌های شناخت شعر یک شاعر یا دوره است. در این پژوهش با نگرشی کلی و همه‌جانبه، محتوای شعر دفاع مقدس (مورد مطالعه: دفترهای ریشه در ابر، از نخلستان تا خیابان، هم‌صدا با حلق اسماعیل و تولد در میدان) بررسی شده است. آنچه در ابتدا باعث شد گونه‌ای شعر به نام «شعر دفاع مقدس» شناخته شود، مفهوم و محتوای شعری همسان بود؛ بنابراین نویسنده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا تلاش کرده است تا به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهد که اشتراکات و رگ و ریشه‌های همانند در محتوای اشعار دفاع مقدس کدام است؟ آنچه از مطالعه و بررسی چهار دفتر مهم شعری این حوزه به دست آمد، این است که مهم‌ترین مضامین و مفاهیم مطرح‌شده در شعر دفاع مقدس، شهید و شهادت، واقعه کربلا و فرهنگ عاشورا، امید به آینده و انتظار موعود، وطن‌دوستی، رجزخوانی و حماسه، اعتراض به افول ارزش‌ها و... است. شاعران در طرح این مضامین از آموزه‌های ایرانی - اسلامی بهره گرفته‌اند و در واقع بخش عظیمی از محتوای شعر دفاع مقدس، آیینی است.

واژگان کلیدی: شعر دفاع مقدس، محتوا، مضامین مذهبی، مضامین جنگی

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

^۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. // ایمیل: ykaramicheme@yahoo.com



۱. مقدّمه

در سنت ادبیات فارسی، قالب اصلی بیان اندیشه و هنرپردازی، شعر است که با وجود گذر زمان و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی و تحول نوع نگاه ادیبان، همواره جایگاه والا و ممتازی داشته است. در حوزه ادبیات دفاع مقدس، به‌ویژه در دوران جنگ، شعر جایگاه والاتر و کارکرد بیشتری داشت، زیرا بسیاری از اشعار، به شکل نوحه و مرثیه و سرودهای انقلابی و با لحن حماسی، سبب تحریک و تهییج رزمندگان اسلام برای ادامه حماسه‌آفرینی‌ها می‌شد. بدین ترتیب، شعر، مخاطبان زیادی داشت و ادیبان نیز بیشتر به آن متمایل بودند.

شعر دفاع مقدس دارای زبان، شکل و مفاهیمی است که پیش از این در سنت شعر فارسی کمتر بروز یافته است و همین نکته ضرورت بررسی آن را ایجاب می‌کند. از طرفی، تجزیه و تحلیل اشعار دفاع مقدس از این حیث که این گونه شعری، بخش مهمی از شعر معاصر و تجربه جدیدی در ادبیات فارسی است و زنده و پویاست، برای شناخت مختصات آن لازم و ضروری است. به نظر می‌رسد با گذشت بیش از سه دهه از ظهور شعر دفاع مقدس، این نوع شعر تثبیت شده است؛ شعری که ابتدا از حیث محتوا و مضمون، خود را از پیشینه شعر فارسی متمایز کرده بود در حوزه زبان و بیان و صورت شعر نیز تجربه‌های جدیدی عرضه کرد. «معمولاً تحول در مفاهیم شعر ساده‌تر از تحول در قالب آن صورت می‌گیرد.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۳۳).

شکل و محتوای اثر هنری، ارتباط دیالکتیکی با هم دارند و «لوکاج^۱» نیز با بهره‌گیری از اندیشه هگلی^۲ «دیالکتیک^۳» به همین مسئله اشاره می‌کند و می‌گوید: «محتوا چیزی نیست به‌جز تبدیل شکل به محتوا؛ و شکل هم چیزی نیست به‌جز تبدیل محتوا به شکل» (به نقل از راودراد، ۱۳۹۰: ۷۵).

محتوا «مفاد و مضمون یا مفهوم هر اثر هنری را محتوای آن می‌نامند. محتوا معمولاً در مقابل فرم یا شکل به کار می‌رود» (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۲۳۴). تحلیل محتوایی شعر دفاع مقدس که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا نوشته شده است، به بررسی و ارزش‌گذاری بخشی از شعر معاصر فارسی می‌پردازد و نگارنده امید دارد در خوانش اشعار این حوزه با مخاطب همراه باشد. این تحقیق از حیث تخصصی یاریگر پژوهشگران در مطالعات بعدی است و از حیث عمومی، از این منظر که مخاطبان ادبیات طیف وسیعی از مردم هستند، می‌تواند مخاطب عام را در فهم و شناخت آثار دفاع مقدس همراهی کند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره شعر دفاع مقدس پژوهش‌های متعددی انجام شده است. «بیشترین حجم سخن درباره شعر جنگ را باید در مقالات و مصاحبه‌هایی دید که عمدتاً در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسیده و گاه جنگ‌هایی نیز به این عنوان گردآوری شده است.» (کافی، ۱۳۸۱: ۱۷). برخی از آثاری که به‌گونه‌ای مرتبط با موضوع تحقیق است، عبارت‌اند از: آوازه‌های نسل سرخ (۱۳۷۶)، ادبیات انقلاب و انقلاب ادبیات (۷۸ و ۱۳۷۷)، حماسه کلمات (۱۳۷۹)، نقد

^۱ Lukacs

^۲ Hegel

^۳ Dialectic



و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (۱۳۸۰)، دستی بر آتش (۱۳۸۱)، شکوه شقایق (۱۳۸۴)، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی (۱۳۸۸)، آشنایی با ادبیات دفاع مقدس (۱۳۸۹) و مقاله‌هایی نظیر «رویکردهای جامعه‌شناختی در شعر پایداری دفاع مقدس» (۱۳۹۰)، «ویژگی‌های سبکی منظومه‌های دفاع مقدس» (پاییز ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱) و مانند اینها.

۳. تحلیل محتوایی شعر دفاع مقدس

از قدیم دو تلقی از هنر - به‌ویژه شعر - وجود داشته است؛ در یک‌سو عده‌ای از هنر محض و هنر برای هنر دفاع کرده‌اند و از سوی دیگر، دسته‌ای دربارهٔ رسالت هنر و تعهد هنرمند سخن گفته‌اند. ریشهٔ این بحث به مقوله‌های لذت و تأثیر و سودمندی هنر برمی‌گردد. در میان منتقدان و صاحب‌نظران و فیلسوفان، طرفدارانی برای هر کدام از این دو مقوله وجود دارد. طرفداران هنر برای هنر، احساس لذت حاصل از هنر را کافی دانسته‌اند و معتقدند اخلاق، هنر را محدود می‌کند. در مقابل، طرفداران تعهد به بحث تأثیر هنر اشاره کرده و برای آن، رسالتی اجتماعی قائل شده‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۰۰).

این دو نظریه در تاریخ ادبیات فارسی نیز - به‌ویژه در دوران معاصر - تجلی یافته است. در سرزمین ایران همواره شاعران متعهد وجود داشته‌اند و شعر و ادبیات فارسی، از دیرباز محملی برای ارائهٔ اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و تعلیمی بوده است. شاعران زبان فارسی نسبت به دین، فرهنگ، تاریخ و هویت هم‌وطنان خود احساس مسئولیت کرده‌اند. شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، یکی از نمونه‌های اعلای شعر متعهد در زبان فارسی است.

انقلاب سال پنجاه‌وهفت مردم ایران، مبتنی بر آموزه‌ها و جهان‌بینی اسلامی بود. پایه‌گذاران نهضت انقلاب اسلامی به دنبال بیداری مسلمانان بودند. با توجه به اینکه شعر متأثر از زمینه‌های فکری، اجتماعی، اعتقادی و ویژگی‌های محیطی جامعه‌ای است که شاعر در آن زندگی می‌کند، در عرصهٔ ادبیات نیز ادیبان انقلاب، مبانی نظری انقلاب اسلامی را مطرح کردند. حدود دو سال پس از پیروزی انقلاب، جنگ شروع شد و از همین رو بسیاری از بنیان‌های فکری، اجتماعی، ادبی و... انقلاب در جنگ ادامه یافت. جنگ نیز شعر معاصر را متحرک ساخت و «محتوایی صادقانه و تراژیک» در تاریخ ادبیات ایجاد کرد (کاکایی، ۱۳۷۶: ۷). شعر دفاع مقدس محصول جامعه و زمانه‌ای انقلابی، دین‌گرا و سنت‌گراست که در تحلیل آن باید به این نکات توجه داشت.

ادبیات دفاع مقدس سه محور دارد: ۱. طرح آرمان‌ها و تفکرات و توجیه حقانیت؛ ۲. بیان شجاعت و ستایش فتوحات (دعوت به مقاومت)؛ و ۳. یادکرد جنگ (توصیف فاجعه) و سوگ‌سرایی (صنعتی، ۱۳۹۰: ۲۸). برخی از پژوهشگران نیز معتقدند در شعر پس از جنگ، سه جریان عمده قابل مشاهده است: ۱. شعر اعتراض؛ ۲. شعر عاشقانه؛ و ۳. شعر آیینی (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۳).

۱. مضامین مذهبی

شعر دفاع مقدس از نظر محوریت فکری و مفهومی زیر سایهٔ مذهب قرار دارد. شاعران دفاع مقدس به مدد مفاهیم مذهبی و تاریخ اسلام و سیرهٔ بزرگان دینی، اشعار خود را می‌سرایند. نام رمز عملیات‌ها از نام پیامبر (ص)، علی (ع)،



حسین (ع)، مهدی (عج) و حضرت زهرا (س) و همچنین اسم بیشتر لشکرها و گردان‌ها و پایگاه‌ها از قیام کربلا و صحابه امام حسین (ع) - اسم‌هایی نظیر کربلا، عاشورا، ثارالله، سیدالشهدا، علی‌اکبر، علی‌اصغر، ابوالفضل، حبیب بن مظاهر، حر و قاسم - گرفته شده است. مهم‌ترین مضامین و بن‌مایه‌های مذهبی شعر دفاع مقدس عبارت‌اند از: شهادت، عاشورا، انتظار.

۱.۱.۳. شهادت

مقام شهادت در اسلام یکی از مفاهیم عمیق و بنیادی است و جهادگران راه خدا، نهایت آرزویشان رسیدن به مقام شهادت است. البته تقدیس شهیدان در ادب پایداری ملل دیگر نیز اهمیت دارد.

شهادت، مهم‌ترین موضوع در ادبیات دفاع مقدس است و شاعران ضمن پرداختن به موضوعات دیگر در نهایت گریزی شاعرانه به آن زده‌اند.

اما من / دل به شما سپرده‌ام / به آفتابی که از خاکتان بر گرفت و به صولت صدایی صاف / که پیشانی شما را / در جبهه‌ها / طواف کرد / دل به شما سپرده‌ام (حسینی، ۱۳۷۵: ۵۴)

شاعران، خون شهیدان را الهام‌بخش حرکت و مبارزه و زمزمه آن را خاموش‌نشدنی می‌دانند:

نشود زمزمه خون شهیدان خاموش سوز عرفانی این نغمه ز سازی دگر است
(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۶)

شناخت شهادت، استقامت و پایداری خانواده‌های شهدا، بخشی از موضوع شعر جنگ را شامل می‌شود. در کوله‌بار غربتم یک دل از روزهای واپسین مانده ست عباس‌های تشنه رفتند، لب تشنه مشکی بر زمین ماندست

بر شانه خونینتان یاران! یک بار دیگر بوسه خواهم زد بر شانه خونینتان عطر تابوت‌های یاسمین مانده ست
(قزو، ۱۳۷۴: ۹)

شاعران شهادت شهیدان را با تصویر غروب، لاله، کبوتر، پرستو و... ترسیم می‌کنند.

گل کرد بغض بهاران، وقت غروب که خورشید افراشت خیمه غربت، بر بیکرانه دریا

(قزو، ۱۳۷۲: ۱۶)

شاعران اغلب از ضمائر و شناسه‌های جمع استفاده می‌کنند و کل شهیدان را توصیف می‌کنند.

چشم خون‌بارتان تبسم داشت جانتان با خدا تکلم داشت

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۳)

اما اشعار بسیاری نیز در وصف برخی شهیدان خاص - اعم از شهدای معروف یا برخی دوستان شهید شاعر - وجود دارد. شعر زیر برای بسیجی شهید، منصور همتی سروده شده است:



عزا عزای لاله‌ای به خون نشسته ست به یاد دل‌شکسته‌ای دلم شکسته ست

(قزوه، ۱۳۷۲: ۱۷)

۲.۱.۳. عاشورا

شیعیان و طرفداران آزادی و عدالت از دیرباز حماسه‌حسینی را پاس داشته‌اند. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «حسین (ع) سمبل احیای عدالت اسلام است. حسین (ع) سمبل مبارزه با ظلم در دنیای اسلام است. حسین (ع) حماسه‌شهادت است... تا شما امام حسین (ع) را زنده نگه می‌دارید، یعنی ما طرفدار عدالت اسلامی هستیم.» (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۷۰ به نقل از آذر، ۱۳۸۸: ۶۱). در جریان مبارزات و جنبش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری، تأثیر از فرهنگ عاشورا نمود بیشتری دارد. شاعران نیز در طی تاریخ و به‌خصوص از دوران صفویه به بعد، اشعار بسیاری در این باره سروده‌اند. «ترکیب‌بند محتشم و گنجینه‌الاسرار عمان سامانی» دو شعر عاشورایی مهم هستند.

در دوران معاصر، بزرگان و مردم، انقلاب و جنگ هشت‌ساله را به عرصه کربلا مانند می‌کردند و شهدا و مبارزان را همچون یاران امام حسین (ع) می‌دیدند. شعارهایی مانند «نهضت ما حسینی // رهبر ما خمینی» در دوران انقلاب رواج داشت. همچنین رزمندگان نام عملیات‌ها، اسم رمز آنها و ذکر پیشانی‌بندها را از عاشورا و تاریخ تشیع وام می‌گرفتند. «پیوند مجموعه جبهه با فرهنگ عاشورا نه تنها گستره شعارها و شعرها را در برمی‌گیرد که نوعی آرمان و مقصد برای جبهه‌ها می‌شود؛ پیشانی‌بندها عنوان «مسافر کربلا» می‌یابند و تابلونوشته‌ها در جبهه‌ها نیز فاصله تا کربلا را تعیین می‌کنند و حتی نام جاده‌ها در جبهه نیز از کربلا گرفته می‌شود.» (سنگری، ۱۳۸۰: ۴۹/۲). شاعران دفاع مقدس نیز در چنین فضایی، همانندی‌های بسیاری میان دفاع مقدس و عاشورا می‌یافتند و رزمندگان را یاران امام حسین (ع) می‌دانستند که به ندای (هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي) او جواب می‌دهند. شهدا را با شهدای کربلا تطبیق می‌دادند و وقایع را با نگاه عاشورایی تحلیل می‌کردند و همچنین پشت جبهه‌ها را به کربلا پیوند می‌زدند. به پسر و واقعت را بگویند/ می‌خواهم پسر دشمن را بشناسد/ مظلومیت را بشناسد/ و عطشناکی نهال نوس دلش را/ با فوران حقیقت همیشه عاشورا/ پیوند بزند (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۴۳)

شاعران، تاریخ و فلسفه عاشورا را با مسائل روز درآمیختند و با تلمیح به حماسه خونین عاشورا، مردم را به پاسداشت از فرهنگ جهاد و شهادت دعوت می‌کنند.

از دیار دور یار آشنا می‌خواندم

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خواندم

در طریق عاشقی روح خدای می‌خواندم

...بانگ «هل من ناصر» از کوی جماران می‌رسد

(حسینی، ۱۳۸۶: ۳۱)



رزمندگان، آرزوی دیدار کربلا را داشتند. در این آرزو، نکاتی مستتر است؛ کربلا در دست رژیم بعث است و دیدار کربلا زمانی میسر است که رزمندگان، آن را فتح کنند. از طرفی، کربلا مدرسه عشق و ایثار است و رزمندگان، خود را پیروان راه ایثارگران عاشورا می دانند.

کربلا دیدیم و در میدان تولد یافتیم هم شهادت‌گاه ما معراج داری دیگر است

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۲)

«بخشی از اشعار تولد در میدان را عاشورایی‌ها تشکیل می دهند. حماسه حسینی و توصیف شخصیت‌های کربلا در این اشعار محور توجه قرار گرفته‌اند» (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۹). نمونه زیر که به یاد مسلم بن عقیل سروده شده است.

دارد از گرد راه می آید
نامه کوفیان به خورجینش
هم تبار قبیلۀ توفان
همره شوق بیعت و پیمان

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۹۱)

عاشورا تداوم بخش مبارزه با ظلم است.
به یمن نام بلند تو، در این سپیده نورانی
قلم به دست شقایق‌هاست، علم به دوش سپیداران

(قزوه، ۱۳۷۲: ۲۲)

۳.۱.۳. انتظار

اندیشه تشکیل جامعه‌ای به دور از ظلم و تبعیض از دیرباز در ذهن بشر از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. «این اندیشه، بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است.» (مطهری، ۱۳۵۴: ۶).

از جمله موضوعاتی که از دیرباز شعرای آیینی و مذهبی به آن توجه کرده و درباره آن اشعار فراوانی سروده‌اند، مسئله انتظار است.

صبحی دگر می آید ای شب‌زنده‌داران
از قلعه‌های پر غبار روزگاران

از بیکران سبزه اقیانوس غیبت
می آید او تا ساحل چشم انتظاران

(حسینی، ۱۳۸۶: ۳۱)

شعر دفاع مقدس ماهیت مذهبی دارد و ستم‌ستیز است. این دو خصلت سبب می‌شود تا انتظار ظهور در شعر دفاع مقدس نیز مطرح شود. نگاه شاعران به منجی و موعود نگاهی مشتاقانه و عاطفی و صمیمی است (کافی، ۱۳۸۱: ۱۶۱).



تمام دشت یکسر لاله‌زار است گل نرگس تو را چشم انتظاریم

(قزوه، ۱۳۷۲: ۵۳)

مفهوم انتظار در ادبیات دفاع مقدس جایگاه ویژه‌ای دارد. انتظاری که نقش مهمی در زمینه‌های دیگر نیز دارد؛ همچون انتظار پیروزی، انتظار شهادت، انتظار رهایی از اسارت و... اما آنچه بیش از همه شاعران دفاع مقدس بر آن تکیه دارند «انتظار ظهور» است که جلوه‌های گوناگون آن را در غزل‌ها و دیگر قالب‌های شعری خود آورده‌اند.

۲.۳. وصف بزرگان دینی و انقلابی

بخشی از ادبیات دفاع مقدس را وصف شخصیت‌های دینی و انقلابی، تشکیل داده است. شخصیت‌هایی همچون حضرت علی (ع)، حضرت امام حسین (ع)، حضرت قائم (عج) که نشانه و سمبل مفاهیمی چون عدالت، از خودگذشتگی و نجات و رهبری و... هستند.

با دست نبی رقابتی داشت مگر آن تیغ که بوسه زد به پیشانی تو

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳)

شاعران به گفتار و کردار و اندیشه بزرگان و رهبران فکری انقلاب همچون امام خمینی (ره)، دکتر شریعتی، شهید مطهری، شهید رجایی، شهید باهنر، شهید بهشتی و... توجه دارند. البته شخصیت امام خمینی (ره) بیشتر مدنظر است و خیل عظیمی از شاعران، ارادت خالصانه خود را به وی نشان داده‌اند که مانا ترین این تصاویر را در شعر شاعرانی چون قیصر امین پور، سید حسن حسینی، فاطمه راکعی، سهیل محمودی و علیرضا قزوه و... می‌توان دید. هنوز این کوچه‌ها، این کوچه‌ها بوی پدر دارد نگاه روشن ما ریشه در باغ سحر دارد

(قزوه، ۱۳۹۱: ۲)

روحیه حماسی و عرفانی امام، موجب تقویت روحیه رزمندگان می‌شد و شاعران امام را عامل وحدت و مصون ماندن مردم و رزمندگان از فتنه‌های دشمنان می‌دانند.

بر شما فتنه خناس ندارد اثری تا بود آیت حق «روح خدا» رهبرتان

(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۱)

همچنین شاعران، او را پیر و مراد و معشوق و محبوب می‌خوانند و حرکت در راه او را نوعی سلوک می‌دانند.

ای روح سبز باران لبیک یا خمینی ای شوکت بهاران لبیک یا خمینی

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۱۷)

بسامد این سوگسروده‌ها در مجموعه هم‌صدا با حلق اسماعیل بسیار بیشتر از سایر آثار است. غزل «رسوایی سراب» به یاد شهیدان هفتم تیر، «کوثر» به یاد رجایی و باهنر، «زمزمه جاوید خون» به یاد شهید آیت‌الله دستغیب و رباعیات متعددی در وصف امام خمینی (ره)، شهید مطهری، شهید بهشتی، دکتر شریعتی، جلال آل احمد در این کتاب دیده می‌شود.



خطبه خون تو آغاز نمازی دیگر است / جسم گلگون تو آیینۀ رازی دیگر است
پیر شیراز وضو ساخته از چشمه عشق / فرق در خلصۀ خونین نمازی دیگر است

(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۵)

۳.۳. نگاه تاریخی

یکی از برجستگی‌های محتوایی شعر انقلاب و دفاع مقدس، ذهنیت تاریخی و تاریخی‌نگری به موضوع تقابل و نبرد حق و باطل و مظلومیت مظلومان از جمله امام حسدین (ع) است. اینان تقابل حق و باطل را از ابراهیم و زکریای نبی و حضرت رسول و حضرت امیر تا عاشورا و پس از آن تا جنگ نشان می‌دهند. درواقع این شاعران، مبارزه با ظلم را در جریانی تاریخی می‌بینند که دیروز بوده و امروز ادامه دارد و فردا نیز خواهد بود. این مقوله در شعر علی معلم بیش از سایرین جلوه دارد.

مکتب یکی، آیین یکی، سودا یکی شد / دیروز ما، امروز ما، فردا یکی شد
(سپیده کاشانی به نقل از صنعتی، ۱۳۸۹: ۸۴)

گویی رزمندگان دوشادوش همه مجاهدان و شهیدان تاریخ، رو در روی هرچه ستمکاری ایستاده‌اند. قانون هزاران مرز دروغ را باور نمی‌داریم/ و تنها در تلاطم یک مرز ایستاده‌ایم/ مرزی میان حق و باطل/ مرزی میان خدا و شیطان (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۸۱)

پژوهشگران به گرایش‌های هویتی در لشکر عراق اشاره کرده‌اند: «اینکه امروز هم ارتش عراق به اسم لشکر قادسیه به ایران حمله می‌کند یعنی یادتان باشد، ما همانیم که یکبار حسابتان را رسیدیم. غیر از شماییم.» (مسکوب، ۱۳۷۳: ۴۲). درواقع سخنان و گفته‌های صدام و ارجاعات او به صدر اسلام و فتح ایران، نوعی اقدام هویتی بود تا نیروهایش را متحد سازد. در مقابل در جناح ایران، فرهنگ شیعه و عاشورا و مفاخر ملی سبب پیوند مردم و نیروهای رزمنده شد. در اوضاع جنگی و بحرانی، گرایش‌های هویتی همچون ستونی جامعه را نگه خواهد داشت. دین، تاریخ، زبان، سرزمین و فرهنگ و سایر مؤلفه‌های هویتی نقش مهمی در پایداری و مقاومت مردمی دارد.

در این قطار/ آرش، ابراهیم/ در این قطار، سیاوش/ در این قطار، اباالفضل/ در این قطار/ صدای ناله مولانا/ شیر خدا و رستم
دستان.../ عین القضاة و ضامن آهو/ در این قطار/ تمامی ایران... (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۹۷)

بر پایه همین تاریخی‌نگری، شاعران بر گره‌خوردگی و پیوند دفاع مقدس با حماسه‌ها تأکید می‌کنند:
جنگل هنوز بوی تو را دارد/ بوی شقیقه‌های سرخ شهادت/ جنگل هنوز بوی تفنگت را/ در ازدحام مه/ در باد و حادثه
می‌جوید/ جنگل صدای تیر تو را در گیجگاه باد/ با صخره‌های پر خزه می‌گوید/ جنگل بهار را/ با نام سرفراز تو/ آغاز می‌کند/ نامت/ بر
طاق نصرت جنگل نشسته است (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۴)

این بار در قطار اندیمشک/ میرزا کوچک جنگلی ست/ با دکتر حشمت/ و بچه‌های لشکر قدس!! امروز هم با قطار اندیمشک
رفتند/ ستارخان و باقرخان/ قشون تبریز و/ بندر شرفخانه/ و بچه‌های لشکر عاشورا... (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۹۸)



در شعر «قامت بلند ایثار» انقلاب اسلامی در امتداد تاریخ ایمان و تاریخ اسلام دانسته شده است و تلمیحات فراوان شعر حاصل نگاه تاریخی شاعر است.

در خروش بلند حنجره‌اش / خشم صدها تبار خون پیداست (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۱۰)

۴.۳. مضامین مرتبط با جبهه و جنگ

یکی از جلوه‌های درخشان شعر دفاع مقدس، مضامین مرتبط با جبهه و جنگ است. وصف جبهه، دلآوری‌های رزمندگان، وطن‌دوستی، ستایش ایثار رزمندگان و... از مهم‌ترین مضامین هستند.

۱.۴.۳. بیان حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان

یادکرد ایثار و از خود گذشتگی رزمندگان یکی از مضمون‌های شعر جنگ است.

دلا دیدی آن عاشقان را / جهانی رهایی در آوازشان بود / و در بند، حتی / قفس شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود / پیام‌آورانی که در قتلگاه ترنم / سرودند - علی‌رغم زنجیر - / اعجازشان بود. (حسینی، ۱۳۸۶: ۴۴)

عبدالملکیان در شعر «در جستجوی جنگجوی جوان» با هم‌کلامی با رزمنده‌ای، رشادت‌ها و دلآوری‌های او و هم‌زمانش را یادآور می‌شود:

گفتم: به یاد می‌آوری / در آن روز چگونه دشمن را دور زدیم؟! / و چگونه در کوتاه‌ترین فرصت / آتش حماسه‌ت تو، تانک مغرور دشمن را / به آتش کشید (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۴۶)

همچنین در توصیف جبهه از ایثار و همدلی سخن می‌گوید:

مادر! اینجا حضور ناب خدا جاری است / اینجا همیشه فرصت بیداری است / دیروز / در هرم آفتاب و آتش جبهه / یک زن به سن و سال تو را دیدم / کلمن به دست خط مقدم را / می‌رفت / از سنگری به سنگری / ... مادر! این نامه یک اشارت کوتاه / از سرزمین نور و نخل و پرنده است ... (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۹۷)

شاعران با هدف تشجیع رزمندگان و تحریک عرق مذهبی و ملی آنان، به حماسه‌سرایی روی آوردند.

با قطار فشنگ بر شانه دست‌های تفنگ را ماند

گام‌هایت، طنین حرمت خاک چشم‌هایت حماسه می‌خواند

(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۴۳)

۲.۴.۳. تلفیق روح حماسی و عرفانی

در شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، حماسه و عرفان تلفیق شده است. در این عرصه، رزمندگان هم با دشمن بیرونی (حماسه) می‌جنگند و هم به دنبال سرکوب دشمن درون (عرفان) هستند. فضا و اوضاع جنگی زمان که حماسه‌آفرینی را می‌طلبید و همچنین بنیان مذهبی جامعه و رهبری امام (ره) از یک طرف و الهام گرفتن رزمندگان و شاعران دفاع مقدس از حماسه‌آفرینی‌های عاشوراییان و لحظات ناب عرفانی آنان، سبب پیوند حماسه و عرفان در



شعر دفاع مقدس شده است. از همین رو تلفیق عرفان و حماسه را «بالاترین و بارزترین ویژگی شعر دفاع مقدس یا شعر مقاومت» خوانده‌اند (قزوه به نقل از کافی، ۱۳۸۱: ۱۶۴).

ما شهیدان جنون بودیم از عهد قدیم سنگ قبر ماست دریا، نقش قبر ما نسیم

شهر ما آن سوی آبی‌هاست، دور از دسترس شهر ابراهیم ادهم شهر لقمان حکیم

اندکی بالاتر از آبادی تسلیم محض صاف می‌آیی سر کوی «صراط المستقیم»

(قزوه، ۱۳۸۴: ۱۳۰)

در شعر این دوره روح حماسه و عرفان هویداست؛ یعنی در شعر هم رنگ حماسی وجود دارد و هم فضایی غنایی محسوس است. به عبارت دیگر عناصر حماسی و رزمی با نمادهای عرفانی تلفیق می‌شود و هرگز باورهای دینی به حذف یا نادیده گرفتن عناصر فرهنگ ایرانی و ملی منجر نشده است (سنگری، ۱۳۸۰: ۴۳/۲).

دل در عطش «حماسه سازی» است جان در تب و تاب «عشق بازی» است

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۳۴)

الفاظ و اصطلاحات مرتبط با حالات و مقامات عرفانی نظیر «فنا، بقا، جذبه، تجلی، لا، وصل و...» تعابیر صوفیانه مانند «خرقه، دف و چنگ، پیر، مرید و مراد و در شعر دفاع مقدس بسیار است.

ببین خانقاه شهیدان عشق صف عارفان غزلخوان عشق

چه جانانه چرخ جنون می‌زنند دف عشق با دست خون می‌زنند

سر عارفان سرفشان دیدشان که از خون دل خرقه بخشیدشان

به رقصی که بی پا و سر می‌کنند چنین نغمه عشق سر می‌کنند

(حسینی، ۱۳۸۶: ۴۱)

در غزل «بوی سیب» زبان به سبک غزل‌های عراقی (حافظ و سعدی و...) است و کلمات و ترکیباتی نظیر «بوی وصال، نفخه آشنایی، کوی و...» در آن هست (قزوه، ۱۳۷۲: ۱۹). در «غزل غربت» نیز گفتمان می‌کده (جرعه، می، پیاله و هشیار) برجسته است (همان: ۲۱).

فدای گردش دستت که دور ما چو رسید چنان بریز که می تا سماء کشاندمان

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۵)



شاعران همچنین به اسطوره‌های عرفانی (بخصوص حلاج) و مفاهیم عرفانی (نظیر روز آگست) بسیار اشاره کرده‌اند.

مست می‌الستی که این گونه حق‌پرستی
ماییم و وهم مستی در غایت
خماری
(حسینی، ۱۳۸۶: ۲۸)

بنیان مذهبی و عرفانی انقلاب اسلامی، از یک طرف و ایثار و از خودگذشتگی عارفانه و عاشقانه رزمندگان از طرف دیگر و همچنین سابقه و پیشینه ادبیات عرفانی و نمادها و تعبیر آن در زبان فارسی، سبب رواج گفتمان عرفانی در شعر انقلاب و دفاع مقدس شد.

حماسه‌سازی و جنگاوری رزمندگان توجه شاعران را به خود جلب کرده و کثرت لغات و تعبیر و نمادهای حماسی را در شعر دفاع مقدس در پی داشته است.

باد شمال هروله می‌کرد راغ را
فحل نسیم حامله می‌کرد باغ را
(معلم، ۱۳۸۵: ۶۵)

به بوی خون و خطر، باره را رکاب زدیم
کجاست صحنه میدان که روز غیرت ماست

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۴)

شاعران با توجه به موضوع حماسی و زمینه عرفانی ذهن خویش، واژگان را انتخاب کرده‌اند.
شیهه در شیهه اسب در میدان
یال گسترده تا کرانه دور

پشت زینش سوار سبزقبا
چشم بر چشمه‌های روشن نور
(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۴۳)

موضوع و زمینه حماسی، سنت ادبی و همچنین توجه شاعران به میراث ادب حماسی در پیدایش لحن حماسی در شعر دفاع مقدس، تأثیر دارد. اشاره به شخصیت‌های شاهنامه نشانگر این موضوع است.

هنوز خون سیاوش به طشت توران است
هنوز نعش شهیدان میان میدان است

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۰)

معلم در مثنوی، و حسینی و اسرافیلی در غزل و چهارپاره و رباعی، قزوه در مثنوی و غزل، لحن حماسی را با نگاه عرفانی به کار گرفته‌اند.

«شاید بتوان گفت باشکوه‌ترین نوع حماسه آن است که در آن قهرمانان دیگر پرداخته ضمیر آرمان‌گرای بشر نیستند و آنان که به مقابله با مظاهر ظلم و فساد و تباهی برمی‌خیزند و به پاسداری از شرف انسان می‌پردازند،



دارای یال و کوپال و بُرز و بازو نیستند، بلکه نمونه کامل بروز صفات خدایی در وجود انسانی همچون دیگر انسان‌ها هستند با این تفاوت که آنها سیر تکامل انسانی را پیموده‌اند و بسیاری از حصارهای تعلق انسان به مظاهر دنیایی را تسخیر کرده‌اند و تنها به همین دلیل است که تحیر هم‌نوعان خود را برمی‌انگیزند. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۲۰۲).

۳.۴.۳. رجز خوانی

در آثار حماسی، پهلوانان برای هم رجز می‌خوانند و در این رجزها، خود و یاران خویش را می‌ستایند و دشمن را تحقیر می‌کنند. در شعر حماسی دفاع مقدس نیز رجز خوانی وجود دارد. در این رجز خوانی‌ها، معمول‌ترین شیوه، ارجاع به تاریخ و لحظه‌ها و شخصیت‌های درخشان تاریخی است. شاعر به شکست‌ناپذیری سپاهیان و قهرمانان اشاره می‌کند.

در مکتب رزم «درس عشق آموز»-یم

در خرمن دشمن «شرار افروز» یم

چون خشم خدای خویش کافرسوزیم

در کشتن و کشته شدن پیروزیم

(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

گاهی نیز، با بهره‌گیری از عناصر تاریخی و مذهبی، شاعر هم رجز می‌خواند و هم رزمندگان را تهییج می‌کند:

وطن به کام پلیدان فتنه‌گر تا چند؟

شکوه باغ به طوفان خیره‌سر تا چند؟

به دست قدرت تو ذوالفقار عاشوراست

زمان به کام یزیدان فتنه‌گر تا چند؟

(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۲۷)

۴.۴.۳. روشن بینی و امید

تمایلات مذهبی و عرفانی شاعران سبب شده تا شعر دفاع مقدس سرشار از امید و روشن بینی باشد. شاعران با هر فتح و پیروزی و آزادسازی شهرهای اشغال شده، به مردم بشارت می‌دهند و با این بشارت همه را در اوج اندوه غرق در شادی می‌کند.

مژده فتح خرمشهر / در ساعت چهار بعدازظهر / در خیابان آزادی / غریب شادمانی / در طوفان حنجره‌ها / و زلال اشک شوق / در سپیده چشمان شهر ... / و خط ویژه آمبولانس‌ها / با مجروحان جنگی / و آژیرهای پیروزی / بوی خوش حماسه مردان خرمشهر را / در خیابان آزادی می‌گستراند (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۷۴)

روح مذهبی حاکم بر انقلاب و جنگ، یأس و ناامیدی را رزمندگان دور کرده است. آیات و روایات بسیاری بر پیروزی نهایی حق بر باطل تأکید می‌کند. با الهام از این متون، نام عملیات‌ها نیز نویدبخش بود؛ مثل والفجر، نصر، فتح المبین.



خونین شهر / روزی که از تو جدا شدم / خانه‌ام را قفل کردم / و کلید آن را بر گردن آویختم / چراکه فردا / به خانه بازمی‌گردیم
(عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۵۴)

و مژده و بشارت بهبود اوضاع:

با فلق آمد و خوش خواند بشیر: «کاروانی همه بارش خورشید / دارد از گردنه می‌آید و می‌باشد نور / و علمدار / همان / پیر
خلف / پیشاپیش / همچو کوهی نستوه / با دو چشمش نگران در باغ / می‌خواند سبز...» (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۲۱)

۵.۴.۳. وطن دوستی

در این اشعار عشق به وطن و میهن و توصیف شکوهمندی و استواری و عظمت آن، توصیف شهرهای اشغالی و ویران شده دیده می‌شود. برای بیشتر شاعران، وطن مقدس است چون جزئی از جهان اسلام است. شعر امت واحده علی معلم مؤید این مطلب است. ذکر نام شهرها و مناطق جنگی، اسطوره‌ها و شخصیت‌های تاریخی، وقایع مهم تاریخی، نشانگر تمایلات وطن‌دوستانه شاعران است.

خونین شهر / کوتاه نیامده‌ام / کوتاه نیز نمی‌آیم / بی ریشه نمی‌توانم زیست / ریشه‌هایم در پوست / به تو بازمی‌گردم
(عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۵۱)

کلمات و تعبیری نظیر خانه، ریشه، کلید، بازگشتن، متضمن نگاه شاعران به وطن است. در برخی از موارد نیز، شاعران از لفظ وطن استفاده کرده‌اند:

هر شب یک‌صد هزار ستاره / بر وطنم اشک می‌ریزند / آیا خاموش بمانم؟ / آی! مردان چرت / مردان خط و خط بازی! / مردان
خرناسه! / هنوز نیزه‌های شکسته بر جاست / آن سوتر / هنوز سرهای تابناک / بر نیزه‌هاست (قزوه، ۱۳۷۲: ۱۲۸)

شاعران به ایستادگی و پایداری وطن خویش می‌بالند:

وطنم از غم گل‌های جوان گریه نکرد / سوخت و آب شد از سوز نهران گریه نکرد

(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۵۳)

شاعران گاهی، به دگرگونی اوضاع وطن پس از انقلاب، اشاره کرده‌اند و از نماد «بهار» بهره برده‌اند.

بهاران آمد و بگشود بر یاران دری دیگر / نظر بر خاک میهن کن که بینی منظری دیگر

(حسینی، ۱۳۸۶: ۹)

توصیف وطن در اشعار دفاع مقدس، با مفاهیم آزادی، امام، مفاهیم ملی، مفاهیم دینی و به‌خصوص حادثه عاشورا پیوند خورده است. همچنین بسامد تلمیح به تاریخ ایران و تاریخ اسلام در اشعار قابل توجه است.

۶.۴.۳. بدرقه رزمندگان

اعزام رزمندگان به جبهه یکی از آشناترین صحنه‌های سال‌های جنگ برای خانواده‌هاست. لحظه‌های خداحافظی پر از شور و شوق و اضطراب و نگرانی است. در شعر دفاع مقدس این لحظه‌ها وصف شده است. شعر «بدرقه» از عبدالملکیان یکی از معروف‌ترین اشعار در این زمینه است.

آب و آینه بود و قرآن بود



روشنی بخش لحظه بدرود

مرد بوی حماسه را می داد

بوی صبح و سپیده بوی سرود (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۴۹)

قزوه نیز در شعر خویش به بدرقه رزمنده‌ها - البته در فضایی دیگر - اشاره کرده است:

برادرم با پوتین‌های کهنه سربازی‌اش / بسیج می‌شود / مادرم آب و آینه و قرآن می‌آورد / پدرم «فالله خیر حافظا» می‌خواند
(قزوه، ۱۳۷۲: ۸۸)

۷.۴.۳. مبارزه با ظلم و بیان مظلومیت مظلومان

دفاع مقدس پر از صحنه‌های مظلومیت مردم ایران است؛ مردمی که ناخواسته درگیر جنگی نابرابر شدند. ویرانی شهرها، از هم گسیختن خانواده‌ها، آوار مرگ و ویرانی بر سر مردم و شهادت غریبانه و مظلومانه رزمندگان، تمام جامعه ایران را با جنگ آشنا کرده بود.

تمام چهارده سالگی‌اش را / در کفن پیچیدم... / مظلوم کوچک من / با نان بیات شبانه چاشت می‌کرد / و با گیوه‌های خویش / زمستان سنگین شهر را به مدرسه می‌رفت (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۸۳)

ستم‌ستیزی و مبارزه با ظلم یکی از مضامین شعر فارسی است. این مضمون در شعر شاعران مبارز دین‌گرای معاصر همچون: علی معلم، گرمارودی، صفارزاده و... با نگاه به مظلومان جهان اسلام (فلسطین، لبنان و بوسنی) افق تازه‌ای را می‌گشاید. قزوه در شعر زیر به تنهایی ملت مظلوم فلسطین پرداخته است:

به هر کجا که زنگ می‌زنی / کسی جواب نمی‌گوید / تمام مشترکان خاموش‌اند / تمام آتش‌ها / خاکستر / تنها سنگ‌ها در دسترس‌اند (قزوه، ۱۳۸۴: ۱۴۰)

شعر برخی از شاعران دفاع مقدس در بستر آزادی‌خواهی ملل جریان دارد. این مسئله به‌ویژه در شعرهای مربوط به سال‌های میانی جنگ و پس از آن مشهود است.

شیطان، حنجره کوچک ما را خوش نمی‌دارد / چراکه فریب هزاران مرز دروغش را / در هم شکسته‌ایم / و مرزی دیگرگونه را پی افکنده‌ایم / مرزی از جنوب ایران / تا جنوب لبنان / و تا جنوب سرزمین تمام مظلومان جهان (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۸۱)

۸.۴.۳. مقاومت و ایستادگی

ایستادگی و مقاومت دلیرانه و مؤمنانه مردم و رزمندگان، از دیگر مضامین رایج شعر دفاع مقدس است: پنج روز و یک میلیون و سیصد و پنجاه هزار گلوله؟! / فرداییان، تاریخ را چگونه باور کنند؟! / بدین گونه ایستادیم، فرداییان / باور کنید، بدین گونه ایستادیم - / در جهانی که جز ظلم را بر ما نمی‌پسندید (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۱۰۳)

وقایع و حوادث هولناک و ویرانگر جنگ، روحیه ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دعوت به مقاومت، کوششی است برای حفظ امید و روحیه مردم و رزمندگانی که در جبهه هستند.

بالم شکنید، بال و پر خواهم شد

زخمم بزنیید، بارور خواهم شد

حلقم ببریید زنده‌تر خواهم شد

خونم بخوریید سرختر خواهم گشت



(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۳۴)

۹.۴.۳. خانواده رزمندگان

شاعران دفاع مقدس به حال و هوای خانواده رزمندگان و شهدا نیز پرداخته‌اند. چشم‌انتظاری‌ها، آرزوها، حسرت‌ها، دلتنگی‌های فرزندان و مادر و همسر شهدا و رزمندگان، در این‌گونه اشعار مطرح شده است.

دل‌م می‌خواد دامادیتو بینم / گل شمشاد من شادیتو بینم

نسیمی می‌وزه از کوی غربت / الهی روز آزادی‌تو بینم

(قزوه، ۱۳۷۴: ۴۸)

عبدالملکیان، بیش از دیگر شاعران به خانواده‌ها توجه کرده است. در شعر «به پسرم دروغ نگویند» از زبان شهیدی خطاب به خانواده‌اش می‌گوید که حقیقت جنگ و نبرد و سرنوشت مرا به پسرم بگویند و:

بگذارید پسرم به جای توپ/نارنجک را بیاموزد/به جای زمزمه/فریاد را بیاموزد/به جای ترانه/سرود مبارزه را بیاموزد/و به جای جغرافیای جهان/تاریخ جهانخواران را بیاموزد (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۴۵)

در این‌گونه اشعار، شاعر به مسئلهٔ تداوم انقلاب در نسل بعد توجه کرده است. شاعران به دلتنگی‌های خانوادهٔ رزمندگان هنگام بدرقه و خداحافظی نیز توجه دارند:

دست بر گردن پدر افکند

اشک‌هایش به گونه پرپر شد

آبی آسمان چشمانش

تیره شد، تار شد، مکرر شد (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۴۷)

زنان نیز به‌عنوان بخش مهمی از جامعه در جنگ - پشت جبهه - حضور دارند.

همسرش آب گل‌دان‌ها را عوض می‌کرد/ و مادرش با خدا گرم گفتگو بود (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۶۰)

زنان (مادران و همسران شهدا و رزمندگان) معمولاً به صفاتی نظیر صبر و پایداری، عفت و ایمان، ایثار، وفاداری و... وصف می‌شوند. زنان نیز روحیهٔ حماسی دارند.

کمان و ترکش و تیرم را/به اسب شوی خود بستم/و مادرم با اشک/غروب بدرقه را/به صبح حادثه پیوست (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۲۲)

۵.۳. اعتراض به افول ارزش‌ها

در دههٔ هفتاد به تدریج با فروکش کردن هیجان سال‌های انقلاب و جنگ و تغییرات اجتماعی و فرهنگی دیگر، آرمان‌های دههٔ شصت رنگ باخت. در این اوضاع، برخی شاعران که تاب تغییرات ناهمگون با ارزش‌های انقلابی را ندارند در برابر این تعارضات لب به اعتراض می‌گشایند و نسبت به کم‌رنگ شدن ارزش‌های جنگ و فراموشی یاد و خاطرهٔ رشادت‌ها و ایثار شهیدان و جانبازان و آزادگان هشدار می‌دهند.



هشدار که باغ شوره‌زاران نشود
این خانه مکان لاشخواران نشود

میراث گرانبهار شهیدان! هشدار
بازیچه خیل بی تباران نشود

(حسینی، ۱۳۸۶: ۳۲)

در شعر زیر نیز شاعر با یادکردن از شهیدان به نوعی از فراموشی آنها دلگیر است:

راستی یاد شهیدان بیت‌المقدس به خیر! جهان‌آرا که بود؟/ حاج همّت که بود؟/ حاج عباس از دنیا یک قرآن جیبی داشت/ شهید خرازی/ شهید نوری/ سرداران بی دست/ شهیدان گمنام/ بی یادنامه/ بی سنگ قبر/ عاصمی پور چه شد/ یوسف نوشته بود: «خدا یا یوسف هم شهید شد او را بیمارز»/ اسماعیل وصیت کرد که روی قبرش بنویسند: «پر کاهی تقدیم به آستان الهی»/ امسال هیچ شاعری با حلق اسماعیل هم‌صدا نشد/ راستی شماره قطعه شهدا چند بود؟ (قزوه، ۱۳۷۲: ۱۰۲)

غم و اندوه به خاطر فقر، اشرافی‌گری، حیف و میل بیت‌المال، سوءاستفاده و بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و دستاوردهای جنگ، قدرت یافتن اصحاب زر و زور، بی‌توجهی به محرومان، رواج تملق و چاپلوسی و... که بیانگر تغییر جامعه در قیاس با سال‌های انقلاب و جنگ است، یکی از مضامین شعر دفاع مقدس بخصوص در اشعار طاهره صفارزاده، سلمان هراتی، قیصر امین پور، سید حسن حسینی و علیرضا قزوه است؛ و در سال‌های ۶۶ تا ۷۰ به صورت جریانی بارز کمابیش همه شاعران را در برگرفت (سنگری، ۱۳۸۰: ۴۶/۲).

شاعران با یادآوری خاطرات جبهه و ایثار رزمندگان به حال کسانی که جنگ را فراموش کرده‌اند و در پی زر و زور هستند، تأسف می‌خورند.

من دست‌های آبی او را/ این روزها مایل به نان دیدم/ چشمان او/ رنگین‌کمانی سرد/ با هفت‌رنگ زرد/ موهای او در کودکی جو گندمی‌تر بود/ او سفره‌اش رنگین/ سرش سنگین/ او یک تن از مردان بلدرچین/ افسوس یادش نیست/ روزی کبوتر بود! (قزوه، ۱۳۷۴: ۵۸)

باید توجه داشت که رنگ آبی، رنگی محبوب و نشان معنویت و رنگ زرد، رنگی منفور است. همچنین بلدرچین، نماد ریا و دورویی و فرصت‌طلبی است و کبوتر، نماد ایمان.

شاعران از سکوت دینداران و مدعیان دین در برابر افول ارزش‌ها نیز انتقاد می‌کنند.

هلا! دین‌فروشان دنیاپرست
سکوت شما پشت ما را شکست...

(قزوه، ۱۳۷۲: ۶۶)

با پایان یافتن جنگ و برگشتن جامعه به حالت عادی، روزمرگی بر فضای اجتماعی غلبه یافت و از تب و تاب و هیجان‌های دینی و مکتبی سال‌های جنگ و انقلاب کاسته شد.

ماجرا این است: کم‌کم کمیت بالا گرفت
جای ارزش‌های ما را عرضه کالا گرفت

احترام یا علی در ذهن بازوها شکست
دست مردی خسته شد، پای ترازوها شکست



فرق مولای عدالت بار دیگر چاک خورد
خطبه‌های آتشین متروک ماند و خاک خورد

اندک اندک قلب‌ها با زرپرستی خو گرفت
در هوای سیم و زر گنیدید و کم‌کم بو گرفت...

در نخاع بادها ترکش فراوان دیده‌ام
گردش تابوت‌ها را در خیابان دیده‌ام

ماجرا این است: آری ماجرا تکراری است
زخم ما کهنه اما بی‌نهایت کاری است

(حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

۶.۳. عشق

عشق در شعر دفاع مقدس، جایگاه والایی دارد. شاعران به تبع رزمندگان و شهیدان که عشق را معنایی متعالی بخشیدند و عاشقانه وارد عرصه نبرد شدند، مفهوم عشق را گسترشی معنوی دادند و آن را نتیجه بیداری روح دانستند:

آه/ ای عالم ربانی عشق/ در کتابی ابدی/ شرح منظومه بیداری ما را بنویس (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۲)

در شعر دفاع مقدس، عشق و عرفان به هم آمیخته است و شهیدان، عاشقانی عارف هستند:
وقت است تا در ورطه درد، چون موج عاشق پا بکوبیم در بارش یکریز شمشیر، مثل عقابی پر بگیریم

(قزوه، ۱۳۷۲: ۲۳)

در میراث ادبی زبان فارسی، عشق، یکی از مضامین رایج است و در شعر دفاع مقدس نیز حضوری برجسته دارد، اما شاعران از آن تفسیری اجتماعی و مذهبی ارائه می‌کنند. عشق از عناصر اصلی و سامان‌دهنده ذهن سیدحسن حسینی است.

بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم
از آنها که پیمانانه «لا» زدند دل عاشقی را به دریا زدند

بین خانقاه شهیدان عشق صف عارفان غزلخوان عشق
چه جانانه چرخ جنون می‌زنند دف عشق با دست خون می‌زنند

سر عارفان سرفشان دیدشان که از خون دل خرقه بخشیدشان

(حسینی، ۱۳۸۶: ۴۰)



شعر بالا، معروف‌ترین مثنوی حسینی است و مانند برخی ساقی‌نامه‌ها، با کلمه «بیا» شروع می‌شود. شاعر با لحنی صمیمی از مردم دعوت می‌کند تا با شهیدان بیعت کنند و راهشان را ادامه دهند؛ شهیدانی که عاشق بودند و جان فدا کردند و سبب طلوع خورشید شدند و مستانه و بی‌هیاهو در راه خدا گام نهادند. در شعر زیر به منصور حلاج که نماد عارفان عاشق است و میثم تمار اشاره شده تا نشان دهد که در عرصه دفاع مقدس، بعد عرفانی و معنوی عشق مطرح است.

باری

ترا به کدامین دیار عشق

سوی مذبح اخلاص می‌برند

که دارهای بلند نجابت

از عطر حلاج و میثم آکنده ست (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۳)

۴. نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای اشعار دفاع مقدس نشان می‌دهد که مذهب و انقلاب، جهان‌بینی شاعران را تشکیل می‌دهد. محتوا و مضمون شعر دفاع مقدس برگرفته از مذهب و انقلاب و شرایط خاص زمان است. این شعر یکی از نمونه‌های اعلای شعر متعهد در زبان فارسی است که شاعران به دلیل زمینه‌های مذهبی و ارتباط مستقیم با دفاع مقدس و اندیشیدن به آن و قرار گرفتن در وضعیت انقلابی و جنگی، محتوای خاصی را در اشعار خود بروز دادند و به شکل اثر و صنعتگری توجه نکردند.

مضامین شعر دفاع مقدس را در چند دسته «مضامین مذهبی، مضامین مرتبط با جبهه و جنگ، انتقادهای اجتماعی و...» می‌توان تقسیم‌بندی کرد. مضامین مذهبی این شعر شامل مضمون شهید و شهادت، عاشورا و انتظار است. مهم‌ترین مضامین مرتبط با جبهه و جنگ عبارت‌اند از: رجزخوانی و حماسه، تلفیق روح حماسی و عرفانی و وطن‌دوستی. در زمینه انتقادهای اجتماعی باید از اعتراض شاعران به افول ارزش‌ها سخن گفت.



فهرست منابع

- آذر، امیراسماعیل (۱۳۸۸) شکوه عشق، تاریخ و شعر عاشورا، تهران: سخن.
- اسرافیلی، حسین (۱۳۶۴) تولد در میدان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- اسرافیلی، حسین (۱۳۷۲) در سایه ذوالفقار، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دفتر حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۶) هم‌صدا با حلق اسماعیل، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- حسینی، سید حسن (۱۳۷۵) گنجشک و جبرئیل، تهران: افق، دوم.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۸) سفرنامه گردباد، تهران: انجمن شاعران ایران، دوم.
- راودراد، اعظم (۱۳۹۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران: دانشگاه تهران، دوم.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹) نقد ادبی، جلد اول، تهران: امیرکبیر.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ۳ جلد، تهران: پالیزان.
- صنعتی، محمدحسین (۱۳۹۰) آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۶۸) ریشه در ابر، تهران: برگ، دوم.
- قاسمی، حسن (۱۳۸۲) صورخیال در شعر مقاومت، تهران: فرهنگ گستر.
- قزوه، علیرضا (۱۳۷۲) از نخلستان تا خیابان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- قزوه، علیرضا (۱۳۷۴) شبلی و آتش، تهران: اهل قلم.
- قزوه، علیرضا (۱۳۸۴) قطار اندیمشک، تهران: لوح زرین.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۱) صبح بنارس، تهران: شهرستان ادب.
- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۰) ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر،
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۱) دستی بر آتش. شیراز: نوید شیراز.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۷۶) آوازهای نسل سرخ، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳) هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران: باغ آینه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴) قیام و انقلاب مهدی (عج)، تهران: صدرا.
- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.
- هاشمی، سید مرتضی، غلامحسین شریفی و یوسف کریمی چم (۱۳۹۳) «بررسی سبکی شعر حسین اسرافیلی»، بهار ادب، سال هفتم، شماره دوم، صص ۳۲۳-۳۴۴.



Reflection on the content of the Holy Defense Poetry

Dr. Yousef Karami Chemeh¹

Abstract

In every work of art, there are two components: form and content. This is also true poetry and studies-by the poetry, the two components will be given. Look at the history of Persian literature shows that poets also those that consider both the form and content of his poetry and the other one to win it had gone down. In this study, overall vision and comprehensive content of the imposed war is studied. What was at first a kind of poetry known as the Sacred Defense poetry, concept and content of the poem was similar. The author uses library resources and content analysis has tried to unsubscribe and similar roots in the lyrical content is determined war. The most important themes and concepts presented in Sacred Defense poetry, martyrs and martyrdom in Karbala event and the culture of Ashura, hope for the future and expect the Messiah, patriotism, ranting and epics, appealed to the decline of values, and so on. The themes in the teachings Iranian poets - have taken advantage of Islamic and indeed a large part of the content of Sacred Defense poetry, ritual.

Keywords: Holy Defense Poetry, content, religious themes, themes of war.

¹ . Assistant professor in Persian language and literature, Amin University of Police Sciences.Tehran , Iran .

Email: ykaramicheme@yahoo.com